

## مقایسه‌ی دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستانی دارای سبک‌های پرورش مختلف (آزادگذاری، آمرانه، و اقتدارمنطقی) از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی در شهر اهواز

عبداله سلطانی<sup>1\*</sup>

دکتر علیرضا حاجی یخچالی<sup>2</sup>

منیژه بو اسحاقی<sup>3</sup>

مصطفی صبری<sup>4</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه‌ی دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستانی دارای سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی در شهر اهواز می باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان شهر اهواز بود که در سال تحصیلی 93-1392 به تحصیل اشتغال داشتند. از این جامعه‌ی آماری، نمونه‌ای به تعداد 240 نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه‌ی شیوه‌های پرورش دیانا مریند (1967) و سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی اسکویینگتون و پوپاندی استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) نشان داد که بین دانش‌آموزان با سبک‌های پرورش متفاوت از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد. به علاوه، نتایج تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=8/67$  و  $P=0/000$ ). همچنین تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=2/929$  و  $P=0/055$ ) و در نهایت تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری تحصیلی تفاوت معناداری موجود است ( $F=2/926$  و  $P=0/05$ ).

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های پرورش، سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی

<sup>1</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

[soltani.abdollah@yahoo.com](mailto:soltani.abdollah@yahoo.com)

<sup>2</sup> - استادیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز [hajiyakhchali@yahoo.com](mailto:hajiyakhchali@yahoo.com)

<sup>3</sup> - دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه اهواز

<sup>4</sup> - دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه اهواز

## مقدمه

سبک‌های پرورش<sup>1</sup> از جمله مفاهیمی است که مطرح کننده روش‌ها و فنون برخورد والدین با فرزندان در خانواده می‌باشد. دارلینگ<sup>2</sup> و استینبرگ<sup>3</sup> (1993)، به نقل از حیدری خواه، (2، 1390)، سبک‌های پرورش را مجموعه‌ای از نگرش‌ها، نحوه برقراری ارتباط و روش نگهداری فرزند و همچنین جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف می‌کنند. سبک‌های پرورش از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند: اهداف مربوط به جامعه‌پذیری، عملکرد والدین در کسب اهداف از سوی فرزندان و جو عاطفی حاکم بر خانواده. منظور از اهداف، نتایج و غایتهایی است که والدین در جریان جامعه‌پذیری فرزندان خود در پی آن هستند. مقصود از عملکرد والدین نیز مجموعه کنش‌های پدر و مادر، در نهایت منظور از جو عاطفی، مجموعه روابط عاطفی، دلبستگی‌ها و انسجام میان اعضای دیگر خانواده می‌باشد (استینبرگ، 2001). نوع سبک پرورش که والدین از خود نشان می‌دهند بر رشد کودک تأثیر بسیاری می‌گذارد (بورن استین<sup>4</sup> و زلوتنیک<sup>5</sup>، 2008). پژوهش‌های مربوط به ارتباط والدین با کودک، که نگرش‌ها و اعمال والدین را در فرایند پرورش مورد بررسی قرار داده‌اند، تحت تأثیر کارهای بامریند<sup>6</sup> و بوری<sup>7</sup> (1991) قرار دارد که به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع<sup>8</sup>، سهل‌گیر<sup>9</sup> و مستبد<sup>10</sup>.

والدین قاطع به صورت افرادی گرم، صمیمی و حمایت‌هیجانی بیشتر توصیف شده‌اند در عین حال که بر آنچه که کودکانشان انجام می‌دهند کنترل دارند. آنها برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توجیهات منطقی استفاده می‌کنند. این والدین تلاش دارند که به فرزندان خود گوشزد نمایند که رفتار آنها چه تأثیری بر دیگران می‌گذارد (بامریند، و بوری، 1991).

---

<sup>1</sup>. nurture styles

<sup>2</sup>. Darling

<sup>3</sup>. Steinberg

<sup>4</sup>. Bornstein

<sup>5</sup>. Zlotnik

<sup>6</sup>. Baumrind

<sup>7</sup>. Boray

<sup>8</sup>. authoritative

<sup>9</sup>. permissive

<sup>10</sup>. authoritarian

والدین سهل‌گیر به صورت والدینی توصیف شده‌اند که سعی دارند برای کودکان خود، محیطی گرم، آرام و صمیمی به وجود آورند، خواسته‌های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه که آنها انجام می‌دهند کنترل و نظارت ندارند. این والدین به فرزندان خود آزادی بیش از حد می‌دهند و خطای آنها را نادیده می‌گیرند (بامریند و بوری، 1991، به نقل از یوسفی، 1386، 38).

والدین مستبد فاقد گرمی، صمیمیت و میزان پایین حمایت هیجانی در روابط خود با فرزندان هستند، و انتظار دارند که فرزندان، خواسته‌ها و تقاضاهای آنها را بدون بحث و بی‌چون و چرا برآورده کنند. در این خانواده‌ها به کودکان اجازه ابراز عقیده داده نمی‌شود و فرصت کمی برای تفکر درباره موقعیت‌ها یا به کارگیری استدلال وجود دارد (بوری، 1991).

از جمله چالش‌هایی که دانش‌آموزان هنگام ورود به محیط آموزشی پیش روی دارند، تفکرات آنها در ارتباط با توانایی کنار آمدن با استلزاماتی است که بر سازگاری شان تأثیر گذار می‌باشد (زیچوووسکی<sup>1</sup>، 2007). دوران تحصیل، دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات شناختی و رفتاری سریعی اتفاق می‌افتد. کنار آمدن با چنین تغییراتی مستلزم آن است که فرد از توانایی سازگاری مناسبی برخوردار باشد (اسپیر<sup>2</sup>، 2000). به طور کلی سازگاری، جریانی است که در آن فرد برای وفق دادن خود با فشارهای درونی و ملزومات بیرونی تلاش می‌کند (رد-ویکتور<sup>3</sup>، 2003). سازگاری دارای عرصه‌های مختلفی است؛ سازگاری در انتقال به محیط یا موقعیت جدید، سازگاری در روابط بین فردی و سازگاری در موقعیت‌های آموزشی که از آن تحت عنوان سازگاری تحصیلی<sup>4</sup> یاد می‌شود. در واقع سازگاری تحصیلی ناظر به توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش‌هایی است که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی فراروی آنها قرار می‌گیرد (پیتوس<sup>5</sup>، 2006). روسر<sup>6</sup>، اکلس<sup>7</sup> و سامرف<sup>8</sup> (1998) معتقدند دانش‌آموزانی که در امر

1. Zychowski

2. Spear

3. Reed-Victor

4. academic adjustment

5. Pettus

6. Roeser

7. Eccles

8. Sameroff

سازگاری تحصیلی با اشکال روبه‌رو می‌شوند، به احتمال زیاد در سایر ابعاد زندگی نیز دچار مشکل خواهند شد. سازگاری تحصیلی با ورود نوجوان به دوره متوسطه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته سبک‌های پرورش از جمله عوامل مؤثر بر سازگاری تحصیلی می‌باشد. کودکان دارای سبک پرورش قاطع، دارای سطوح بالایی از پیشرفت تحصیلی هستند (پیریش<sup>1</sup> و مک‌کلاسکی<sup>2</sup>، 1993)، فرزندان والدین سهل‌گیر، از پیشرفت تحصیلی ضعیف برخوردارند (لامبرن<sup>3</sup>، مونتس<sup>4</sup>، استنبرگ و دارن بوچ<sup>5</sup>، 1991، به نقل از یوسفی، 1386، 38)، فرزندان دارای سبک پرورش مستبد، دارای پیشرفت تحصیلی پایینی هستند (استنبرگ، لامبرن، دارلینگ، مونتس و دارن بوچ 1994).

شکی وجود ندارد که سبک‌های پرورش بر سازگاری اجتماعی<sup>6</sup> تأثیر دارد. اسکات<sup>7</sup>، روث<sup>8</sup> و اسکات (1998، به نقل از فلاطونی، 1391، 62) سازگاری اجتماعی را، شامل سازوکارهایی که موجب پذیرش فرد در گروه می‌شود، می‌دانند. بنابراین برای ورود به گروه باید با ایجاد تغییراتی در خود، با معیارهای گروه هماهنگ شود تا به عنوان عضو جدید پذیرفته شود. برای مشخص کردن این نوع سازگاری، دو نوع ارزیابی لازم است. ارزیابی‌های ذهنی که بیانگر میزان رضایت فرد از ارتباط با دوستانش است و ارزیابی عینی که منظور، پذیرش فرد توسط همسالان وی است.

ویژگی‌های شخصیتی، بر سازگاری افراد مؤثر هستند. از جمله‌ی این عوامل، میزان تحمل اجتماعی است که فرد می‌تواند در برابر به تأخیر انداختن ارضای فوری نیازهایش از خود نشان دهد. افرادی که از سازگاری بالایی برخوردارند، قادرند در کارهایی که در مسیر برآورده شدن نیازهایشان پدید می‌آید، تحمل کنند (مکتبی، 1387). یکی از منابعی که به وقوع سازگاری کمک می‌کند، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی شامل منابع اجتماعی است که افراد آمادگی دریافت آن هستند تا روابطشان را بهبود بخشند (لورا<sup>9</sup>،

<sup>1</sup>. Parish

<sup>2</sup>. McCluskey

<sup>3</sup>. Lamborn

<sup>4</sup>. Mounts

<sup>5</sup>. Dornbusch

<sup>6</sup>. social adjustment

<sup>7</sup>. Eshkj

<sup>8</sup>. Buors

<sup>9</sup>. Laura

گراهام<sup>1</sup> و ناامی<sup>2</sup> 2007، به نقل از فلاطونی، 1391، 66). نوع روابط میان اعضای خانواده، شیوه تربیتی والدین، اندازه خانواده و نیز ترتیب تولد فرزندان از جمله عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی فرد به شمار می‌رود (احدی 1379، به نقل از فلاطونی، 1391، 65). نتایج پژوهش دارن بوچ و همکاران (1978، به نقل از یوسفی، 1386، 38) نشان داد که کودکان دارای سبک پرورش قاطع، دارای سطوح بالایی از شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خود ادراکی هستند. فرزندان والدین سهل‌گیر، از پیشرفت تحصیلی ضعیف، بزهکاری زیاد و عملکرد پایین روانشناختی برخوردارند لامبرن، مونتس، استنبرگ و دارن بوچ (1991، به نقل از یوسفی، 1386، 38). فرزندان دارای سبک پرورش مستبد، دارای پیشرفت تحصیلی پایین و سطوح بالای اختلال‌های روانشناختی و جسمی هستند (استنبرگ و همکاران، 1994).

یکی از مفاهیم مربوط به سازگاری، سازگاری هیجانی<sup>3</sup> است که فرد به طور مستمر نشانه‌های مربوط به سلامت هیجانی را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد. از علایم سازگاری هیجانی توانایی کنترل هیجانات، ارضای نیازها، برقراری روابط مناسب، درک دیگران و درونیات خود، توانایی تحمل ناکامی و شکست می‌باشد. افرادی که چنین توانایی‌هایی دارند می‌توانند با واقعیت‌هایی مانند ازدواج، طلاق و مرگ اعضای خانواده به خوبی کنار بیایند (ویج<sup>4</sup> و جوسوال<sup>5</sup>، 2010). مهارت‌های هیجانی یعنی شیوه‌ی آگاهانه‌ای که یک شخص برای تشخیص، سازمان‌دهی و ابراز هیجان‌های دیگر نشان می‌دهد (میراگین<sup>6</sup> و کوردووا<sup>7</sup>، 2007، به نقل از حیات بخش، 1391، 5). مک کوبی<sup>8</sup> و ژاکلین<sup>9</sup>، به نقل از حقیقی، 1381، 83) که خانواده و سبک پرورش حاکم در آن بر نوجوانان و مسائل و مشکلات آنان، تأثیر مستقیم دارد. به طوری که نوجوانانی که مشکلات رفتاری و هیجانی دارند، کسانی هستند که والدین آنان در ابراز محبت و توجه به فرزندان خود ناتوان بوده و سبک‌های پرورش متناقضی دارند. برطبق پژوهش‌های انجام شده سبک

---

1. Graham

2. Naamy

3. emotional adjustment

4. Vig

5. Joswal

6. Myragyn

7. Krdova

8. MakKoby

9. Jacklin

پرورش دیکتاتوری با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری، اختلال‌های برون-سازي و درون‌سازي، و کارکرد هیجانی پایین در ارتباط است، و از سوی دیگر سبک پرورش اقتدار منش، با ترکیبی از کنترل بالا، حمایت هیجانی بیشتر، سطح مناسب استقلال، و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود در نهایت سبک پرورش سهل‌گیرانه که با فقدان کنترل والدین، و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود، این شیوه پرورش با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان، به دلیل فقدان نظارت و ویژگی اهمال کارانه والدین، ارتباط دارد (هیمسلو<sup>1</sup> و ترمبلی<sup>2</sup>، 1994، به نقل از حیات بخش، 1391، 56).

سبک‌های پرورش از عوامل مؤثری بر سازگاری (هیجانی، اجتماعی و تحصیلی) می‌باشد که این سازگاری باعث پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی می‌شود و والدین با بکار بردن سبک‌های پرورش نامناسب، به طور ناخواسته باعث مشکلاتی در امر تحصیل و سلامت دانش‌آموزان می‌شوند. با توجه به این امر محقق بر آن شد تا به پژوهش در این زمینه که آیا بین دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان دارای سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی، در شهر اهواز تفاوت وجود دارد؟ بپردازد.

## ابزار و روش

طرح پژوهش، جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش علی-مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه‌ی آماری آن را تمام دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های شهر اهواز که در سال 93-1392 مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داده است. حجم جامعه آماری پژوهش حاضر 3000 نفر می‌باشد که در سطح اطمینان 0/95 و اشتباه مجاور 0/05 همبسته با آماره مجذور کای کرجسی و مورگان (1970)، 341 نفر جهت نمونه‌گیری باید انتخاب شوند. در پژوهش مقایسه‌ای برای هر متغیر 50 نفر جهت نمونه‌گیری انتخاب می‌شود (کمپل و استنلی، 1963)، و از آنجا که پژوهش حاضر از نوع مقایسه‌ای می‌باشد و دارای سه متغیر است 240 نفر جهت نمونه‌گیری به صورت تصادفی انتخاب شدند.

<sup>1</sup>. Himselv

<sup>2</sup>. Trembli

## ابزارها، پایایی و روایی

سبک‌های پرورش: منظور از سبک‌های پرورش، نگرشها در مورد فرزند، نحوه برقراری ارتباط با فرزند، روش نگهداری فرزند و جو حاکم بر فضای رفتاری والدین می‌باشد (استینبرگ، 2001). در پژوهش حاضر منظور از سبک‌های پرورش، نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه سبک‌های پرورش بامریند (1973) در هر یک از خرده مقیاس‌ها می‌گیرد.

پرسشنامه سبک‌های پرورش: این پرسشنامه توسط بامریند (1967) پس از بررسی‌های طولانی ساخته شده است و خود او نیز در تحقیقات فراوانی از آن استفاده نموده است. این پرسشنامه شامل 30 جمله است که 10 جمله آن به سبک فرزندپروری آزادگذار و 10 جمله‌ی آن به سبک آمرانه و 10 جمله‌ی دیگر به اقتدار منطقی مربوط می‌شود.

بوری (1991) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش داده است. 0/81 برای شیوه‌های آزادگذار، 0/86 برای شیوه‌های آمرانه و 0/78 برای شیوه‌های مقتدرانه دارای پایایی می‌باشد. همچنین پایایی آن در بین گروه پدران برای شیوه‌های آزادگذار 0/77، برای شیوه‌های آمرانه 0/85 و برای شیوه‌های اقتدار منطقی 0/92 می‌باشد. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی آزمون سبک‌های پرورشی از روش آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن براون استفاده شد. نتایج حاصله در جدول (1) آورده شده است.

جدول 1. پایایی پرسشنامه سبک‌های پرورشی و خرده مقیاس‌های آن در دو روش آلفای

### کرونباخ و تنصیف اسپیرمن براون

مقیاس	آلفای کرونباخ	تنصیف
آزادگذاری	0/50	0/51
آمرانه	0/55	0/45
اقتدار منطقی	0/55	0/38
نمره کل	0/60	0/62

بوری برای بررسی میزان روایی، از روش محاسبه اعتبار افتراقی استفاده کرد و مشاهده نمود که آمرانه بودن مادران رابطه معکوسی با سبک آزادگذار 0/38 و اقتدار منطقی 0/48 دارد و نیز آمرانه بودن پدران رابطه معکوس با سبک سهل‌گیر 0/50 و

اقتداری 0/52 دارد. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار آزمون سبک‌های پرورشی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید. نتایج حاکی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس بود. تمامی ضرایب در سطح ( $p < 0/001$ )، معنادار بودند. نتایج حاصله در جدول (2) آورده شده است.

جدول 2. همبستگی خرده مقیاس‌های آزمون سبک‌های پرورش با نمره کل مقیاس

خرده مقیاس	همبستگی	سطح معنی داری
آزادگذاری	0/86	0/001
آمرانه	0/78	0/001
اقتدارمنطقی	0/54	0/001

### سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی

سازگاری هیجانی: توانایی کنترل هیجان‌ات و ارضای نیازها، برقراری روابط مناسب و درک دیگران و درونیات خود، توانایی تحمل ناکامی و شکست (ویج و جوسوال، 2010). در این پژوهش منظور از سازگاری هیجانی عبارت است از نمره کل آزمودنی در خرده آزمون سازگاری هیجانی، آزمون سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی اسکویینگتون<sup>1</sup> و پوپاندی<sup>2</sup> (1990) بدست می‌آورد.

سازگاری اجتماعی: به عقیده پارکر<sup>3</sup> و اسلبی<sup>4</sup> (1983)، به نقل از فلاطونی، 1391، 18) سازگاری اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط با دیگران در زمینه اجتماعی معین به طریقی که در عرصه جامعه، پذیرفته و ارزشمند باشد. در پژوهش حاضر سازگاری اجتماعی عبارت است از نمره کل آزمودنی در خرده آزمون سازگاری اجتماعی، آزمون سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی اسکویینگتون و پوپاندی (1990) بدست می‌آورد.

سازگاری تحصیلی: سازگاری تحصیلی به برخورداری از رضایت خاطر و کارکرد مؤثر در محیط آموزشی اطلاق می‌گردد (لنت، تاویرا، شو و سینگلی، 2009، به نقل از

<sup>1</sup>. Skevington

<sup>2</sup>. MamataPuitandy

<sup>3</sup>. Parker

<sup>4</sup>. Slabs

متحدی، 1392، 22). در پژوهش حاضر سازگاری تحصیلی عبارت است از نمره کل آزمودنی در خرده آزمون سازگاری تحصیلی، آزمون سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی اسکویینگتون<sup>1</sup> و پوپاندی<sup>2</sup> (1990) بدست می‌آورد.

پرسشنامه سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی: مواد اولیه پرسشنامه سازگاری هیجانی-اجتماعی تحصیلی<sup>3</sup> توسط سوزان اسکویینگتون مشاور گروهی سازمان جهانی، درباره خط مشی و ارتقای سلامت روانی در آگوست/ سپتامبر 1990 به کمک ماماتا پویتاندی، آماده و ساخته شد و اساساً تحت عنوان، فهرست مدارس کودک پسند معرفی شده است و توسط محقق ترجمه و روایی و پایایی آن محاسبه گردید. این پرسشنامه دارای 7 خرده مقیاس می‌باشد که شامل 97 سوال است که به صورت طیف لیکرت 5 درجه‌ای (اصلاً، کم، گاهی اوقات، زیاد) نمره گذاری شده است. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی آزمون از روش ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن براون استفاده شد. که نتایج در جدول 3 آورده شده است.

جدول 3. پایایی پرسشنامه سازگاری هیجانی، تحصیلی، اجتماعی و خرده مقیاس‌های آن در دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن براون

مقیاس	آلفای کرونباخ	تنصیف
سازگاری هیجانی	0/85	0/81
سازگاری تحصیلی	0/83	0/79
سازگاری اجتماعی	0/87	0/78
نمره کل	0/94	0/88

در پژوهش حاضر جهت تعیین روایی آزمون سازگاری هیجانی، تحصیلی، اجتماعی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید. که نتایج در جدول (4) آورده شده است.

1. Skevington

2. MamataPuitandy

3. Emotional Andsocial Aell-being و academic Adjustmentscale

جدول 4. همبستگی خرده مقیاس‌های آزمون سازگاری هیجانی، تحصیلی و اجتماعی با نمره کل مقیاس

خرده مقیاس	همبستگی	سطح معنی داری
سازگاری هیجانی	0/90	0/001
سازگاری تحصیلی	0/87	0/001
سازگاری اجتماعی	0/94	0/001

نتایج حاکی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس بود. تمامی ضرایب در سطح ( $p < 0/001$ )، معنادار بودند.

### یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از نسخه 16 نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و گزارش تحقیق در قالب تحلیل‌های توصیفی و استنباطی، ارائه شده است. الف) یافته‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره‌های دانش آموزان در متغیرهای مورد مطالعه.

جدول 5. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره‌های متغیرها و خرده مقیاس‌های آن در دانش‌آموزان

شاخص‌های آماری				متغیرها
بیشترین	کمترین	انحراف معیار	میانگین	
116	41	17/764	75/465	سازگاری هیجانی
60	18	10/486	37/213	سازگاری تحصیلی
149	43	22/397	92/465	سازگاری اجتماعی
45	13	6/59	25/03	سبک پرورش آزادگذار
40	26	7/352	27/569	سبک پرورش اقتدارمنطقی
50	10	8/046	38/439	سبک پرورش آمرانه
3	0	0/564	2/826	سبک‌های پرورشی

همان طوری که در جدول (5) مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار، به ترتیب در متغیر سازگاری هیجانی 75/465 و 17/764، در متغیر سازگاری تحصیلی 37/213 و 10/486، متغیر سازگاری اجتماعی 92/465 و 22/397، در متغیر آزادگذار 25/034 و

6/597، در متغیر اقتدارمنطقی 27/569 و 7/352، در متغیر آمرانه 38/439 و 8/046 و متغیر سبک پرورشی 2/826 و 0/564 می‌باشد.

(ب) یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش شامل نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) و تحلیل واریانس یکراهه در متن مانوا و آزمون پیگیری

جدول 6. خلاصه نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمره‌های سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورش متفاوت

آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	سطح معنی داری
اثر پیلایی	0/1	4/34	6	492	0/000
لمبدای ویلکز	0/89	4/44	6	4490	0/000
اثر هتلینگ	0/11	4/54	6	488	0/000
بزرگترین ریشه روی	0/11	9/07	3	246	0/000

با توجه به مندرجات جدول (6) معلوم می‌شود که بین دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورشی متفاوت از لحاظ متغیرهای وابسته (سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی) تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه 1، (بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی تفاوت وجود دارد) مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای مشخص ساختن نقطه تفاوت، تحلیل واریانس یکراهه در متن مانوا روی هر یک از مقیاس‌های سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی انجام شد، که نتایج در جدول (7) ارائه شده است.

جدول 7. نتایج تحلیل واریانس یکراهه در متن مانوا روی نمره‌های سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان پسر با سبک‌های پرورشی متفاوت

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
F <sub>(3, 1609)</sub>	سازگاری هیجانی	2668/614	2	1334/307	8/670	0/000
	سازگاری تحصیلی	430/017	2	215/009	2/926	0/05
	سازگاری اجتماعی	1609/997	2	274/998	2/929	0/055

مندرجات جدول (7) تحلیل واریانس‌های یکراهه نشان می‌دهد که مقدار  $F$  مشاهده شده بین دانش‌آموزان برای متغیر سازگاری هیجانی معنادار است؛ بنابراین، فرضیه 1-1، (بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی تفاوت وجود دارد) تأیید می‌شود، ( $F=8/670$ ،  $P=0/000$ ). به منظور پیگیری نتایج سازگاری هیجانی در سبک پرورشی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول 8 ارائه شده است.

جدول 8. نتایج آزمون تعقیبی شفه بر میانگین نمرات سازگاری هیجانی در سبک‌های پرورش مختلف

متغیر	گروهها	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
	آزادگذار-استبدادی	-30/23	0/000
سازگاری هیجانی	آزادگذار- اقتدارمنطقی	-25/07	0/000
	اقتدارمنطقی- استبدادی	5/165	0/008

همان گونه که در جدول (8) مشاهده می‌شود، مقایسه نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری شفه نشان می‌دهد که سازگاری هیجانی در بین سه بعد سبک‌های پرورشی آزادگذار-استبدادی ( $p=0/000$ ) و آزادگذار- اقتدارمنطقی ( $p=0/000$ ) و اقتدارمنطقی- استبدادی ( $p=0/008$ ) تفاوت معناداری دارد.

مقدار  $F$  مشاهده شده بین دانش‌آموزان در جدول (7) برای متغیر سازگاری تحصیلی معنادار می‌باشد، ( $F=2/926$ ،  $p=0/05$ )؛ بنابراین، فرضیه 2-1، (بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی مختلف از لحاظ سازگاری تحصیلی تفاوت وجود دارد) تأیید می‌شود. به منظور پیگیری نتایج سازگاری تحصیلی در سبک پرورشی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول (9) ارائه شده است.

جدول 9. نتایج آزمون تعقیبی شفه بر میانگین سازگاری تحصیلی در سبک‌های سه‌گانه پرورشی متفاوت

متغیر	گروهها	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
	آزادگذار-استبدادی	-11/33	0/108
سازگاری تحصیلی	آزادگذار- اقتدارمنطقی	-0/657	0/952
	اقتدارمنطقی- استبدادی	-11/99	0/05

همان گونه که در جدول (9) مشاهده می‌شود، مقایسه نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری شفه نشان می‌دهد که سازگاری تحصیلی تنها در بین سبک‌های پرورشی اقتدار منطقی - استبدادی ( $p=0/05$ ) تفاوت معناداری دارد.

مقدار  $F$  مشاهده شده بین دانش‌آموزان در جدول (7) برای متغیر سازگاری اجتماعی معنی‌دار می‌باشد، ( $F=2/929$ ،  $p=0/055$ )؛ بنابراین، فرضیه 3-1، (بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی مختلف از لحاظ سازگاری اجتماعی تفاوت وجود دارد) تأیید می‌شود. به منظور پیگیری نتایج سازگاری اجتماعی در سبک پرورشی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول (10) ارائه شده است.

جدول 10. نتایج آزمون تعقیبی شفه بر میانگین سازگاری اجتماعی در سبک‌های سه‌گانه پرورشی متفاوت

متغیر	گروه‌ها	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
	آزادگذار-استبدادی	-20/16	0/05
سازگاری اجتماعی	آزادگذار - اقتدار منطقی	-26/02	0/008
	اقتدار منطقی - استبدادی	-5/86	0/02

همان گونه که در جدول (10) مشاهده می‌شود، مقایسه نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری شفه نشان می‌دهد که سازگاری اجتماعی در سه بعد سبک‌های پرورشی آزادگذار - استبدادی ( $p=0/05$ )، آزادگذار - اقتدار منطقی ( $p=0/008$ ) و آزادگذار - استبدادی ( $p=0/05$ ) معناداری می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

هیچ پدیده‌ای به واسطه چند عامل محدود و به سادگی قابل تبیین نیست، به ویژه موضوع سازگاری در دوره جوانی. جوانان در این سن شخصیت مستقلی از والدین خود تشکیل می‌دهند و وارد دنیایی می‌شوند که در دوره‌های گذشته تجربه نکرده بودند.

فرضیه 1: بین دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان دارای سبک‌های پرورشی مختلف (سهل‌گیر، مقتدر و استبدادی) از لحاظ سازگاری هیجانی - اجتماعی و تحصیلی، در دبیرستان‌های شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

نتایج تحلیل این فرضیه وجود یک تفاوت معنادار را تأیید می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های عالی پور بیرگانی (1391) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه، با استناد به برخی از پژوهش‌ها، می‌توان گفت که رابطه روشنی بین نحوه تربیت کودک و توانایی سازگاری و دستیابی بعدی او به اهداف تحصیلی و رویارویی با چالش‌های عاطفی و اجتماعی وجود دارد. سبک اقتدارگرایانه را می‌توان فراهم کردن یک شیوه تربیت روشن و جدی دانست که با گرمی، استدلال، انعطاف‌پذیری و گفت و شنود کلامی مشخص می‌شود. والدین اقتدارگرا حد و مرزهایی را مشخص می‌کنند و بر اعمال فرزندان نظارت دارند اما در عین حال روابط کلامی خوبی با بچه‌ها برقرار می‌کنند و برای رسیدن به اهداف تربیتی خود از استدلال بهره می‌برد اما رفتار خود را صرفاً بر اساس خواسته‌های کودک تنظیم نمی‌کند. این روش باعث افزایش مسئولیت‌پذیری، استقلال، شایستگی اجتماعی و اعتماد بنفس در کودکان می‌شود.

والدینی که شیوه استبدادی را در پیش می‌گیرند، بسیار کنترل‌کننده هستند و از کودکان انتظار اطاعت بی‌چون و چرا دارند. این سبک با کناره‌گیری و عدم دلبستگی والدین به کودک، فقدان گرمی در روابط و استفاده والدین از تنبیه برای کنترل رفتار کودک مشخص می‌شود. به گفته بامریند (1967)، به نقل از اکینسولا<sup>1</sup> (2011)، والد سعی دارد با استانداردهایی کاملاً انتزاعی نگرش و رفتار کودک را تحت کنترل درآورد. در این سبک، تعاملی یک طرفه بین والد و کودک وجود دارد، طوری که والد به عنوان راهنمایی محسوب می‌شود که کاملاً نگرش‌ها و رفتارهای کودک را تعیین می‌کند و اصلاً تحت تأثیر کودک قرار نمی‌گیرد. والد مستبد، استقلال کودک را محدود می‌کند، تا اطاعت همه جانبه و کامل او را کسب کند. والدین دارای سبک آزادگذارانه انتظار و خواسته‌های بسیار کمی از کودک خود دارند و این باور را دارند کودک خود می‌تواند هدایت‌گر رفتارهای خویش بوده و از حداقل تنبیه برای کودک استفاده کرده و ممکن است بسیار گرم و پذیرا یا سهل‌انگار و سر به هوا باشند.

فرضیه 1-1: بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی مختلف (سهل‌گیر، مقتدر و استبدادی) از لحاظ سازگاری هیجانی در دبیرستان‌های شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

<sup>1</sup>. Akinsola

نتایج تحلیل این فرضیه وجود یک تفاوت معنا دار را تأیید می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های سرتاج<sup>1</sup> و اصلام<sup>2</sup> (2010) همسو می‌باشد. روش‌های نظم‌دهی والدینی که دارای شیوه اقتدارگرا می‌باشند به جای تنبیهی، حمایتی است که این مورد توسط تحقیقات به عنوان عامل افزایش‌دهنده عزت نفس در آنان شناخته شده است. فرزندان والدین مقتدر، خودمختار، شاد و راضی از والدین‌شان هستند و دارای عزت‌نفس، خودکنترلی، ایمنی، محبوبیت، کنجکاوی، اعتماد و امیدواری هستند و مشکلات رفتاری و عاطفی کمتری را تجربه کرده قابل اعتمادند و تهدید و خطری برای دیگران ندارند. واضح است که چنین افرادی به سرعت در محیط‌های جدید و به دور از خانه سازگاری پیدا می‌کنند و به بیان بهتر خود راه خوب را می‌یابند. جالب اینجاست که فرزندان آزادگذارانه تیز با نیاز به جدایی و استقلال در رابطه است. در فرزندان هر دو تیپ والدین، ادراک مثبتی از شیوه تربیتی والدین‌شان، تعاملات مثبت با والدین و تغییرات مثبت در رابطه با پدر و مادرشان، وجود دارد. این عوامل و ادراکات باعث می‌شود که آنها انتقال راحت‌تری به محیط دانشگاه داشته باشند. کودکان والدین استبدادی تمایلات افراط-گرایانه بیشتری، نسبت به فرزندان پدر و مادرهای غیراستبدادی دارند. این نوجوانان اغلب در مورد معاشرات اجتماعی، اضطراب دارند و در شروع فعالیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی شکست می‌خورند. والدین خودکامه تمایل به پرورش دختران وابسته و پسران تهاجمی، کودکان ناراضی و با انگیزه بیرونی دارند. وقتی پدر و مادر با احساس خصومت، خشم، رنجش، و یا دشمنی رفتار می‌کنند، کودکان‌شان تهاجمی شده، خشم را به روش‌های مختلف نشان می‌دهند و مشکلات رفتاری بیشتر دارند.

2-1: بین دانش‌آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی متفاوت (سهل گیر، مقتدر و استبدادی) از لحاظ سازگاری تحصیلی در دبیرستان‌های شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

نتایج تحلیل این فرضیه وجود یک تفاوت معنادار را تأیید می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های اکینسولا (2011) همسو می‌باشد. شیوه اقتدارگرا اثرات سودمندی بر پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی نوجوانان دارد. بامریند (1971)، به نقل از اکینسولا،

<sup>1</sup>. Sartaj

<sup>2</sup>. Aslam

2011) این شیوه را به عنوان شیوه‌ای بهینه که بروندهای بهتری را در تربیت فرزندان پیش‌بینی می‌کند، معرفی کرده است. والدین دارای این روش تربیتی به صورتی منطقی و با توضیحات و استدلال‌های عقلانی کافی، کودکان خود را با قوانین آشنا می‌کنند، به کودکان خود اجازه می‌دهند تا از خطاهای خود یاد بگیرند که به اندازه کافی مستقل شوند. والدین ممکن است اعتماد به نفس فرزندان خود را نسبت به آینده تشویق کنند. این والدین عموماً جوانان خود را با نظارت بر موقعیت اجتماعی، دوستان و فعالیت‌هایشان سرپرستی می‌کنند. برعکس، شیوه استبدادگرا با رفتار ناشایسته اجتماعی نوجوانان در رابطه است. کودکان تحت چنین تربیتی تمایل دارند که یا مسائل را در خود بریزند و کناره‌گیری کنند یا به دیگران تهاجم کنند. اینها نوجوانان ناسازگاری هستند که یا از اعتماد به نفس پایین رنج می‌برند و یا برعکس برای دیگران قلدری می‌کنند و حقوق دیگران را نادیده می‌گیرند.

3-1: بین دانش آموزان پسر دارای سبک‌های پرورشی متفاوت (سهل گیر، مقتدر و استبدادی) از لحاظ سازگاری اجتماعی در دبیرستان‌های شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

نتایج تحلیل این فرضیه وجود یک تفاوت معنا دار را تأیید می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش عالی پور بیرگانی (1391) همسو می‌باشد. بامریند (1967)، به نقل از عالی پور بیرگانی، (1391، 218)، بیان می‌کند کودکانی که در سنین پیش از مدرسه در محیط‌های پرورشی اقتدارگرایانه تربیت می‌شوند، رشد مهارت‌های اجتماعی، تنظیم عواطف و اعتماد بنفوس بهتری را در ارتباط با توان تسلط یابی در وظایف، نشان می‌دهند. والدین مستبد کودکان مضطرب، منزوی و افسرده تربیت کرده که عکس العمل‌های ضعیفی به ناکامی نشان می‌دهند. با این حال این کودکان در مقایسه با فرزندان والدین آزادگذار و مقتدر در مدرسه عملکرد خوبی دارند و به احتمال کمتری در رفتارهای ضد اجتماعی درگیر می‌شوند. کودکانی که در سنین پیش از مدرسه تحت تربیت آزادگذارانه قرار دارند، مهارت‌های اجتماعی و تنظیم عواطف ضعیف و مقاومت اندکی در برابر چالش‌های زندگی نشان می‌دهند.

بطور کلی با توجه به اهمیت روز افزون سازگاری دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور و نیز حساسیت خانواده‌ها به این مقوله، به نظر می‌رسد که توجه به یافته‌های این پژوهش می‌تواند در شناخت ارتباط سازگاری و سبک‌های والدگری در این ارتباط، کمک شایانی کند. در این راستا توجه اولیا و مدارس و مراکز آموزش خانواده به این نکته جلب می‌شود که با آموزش والدین، در محیط خانه فضایی ایجاد شود که امکان تبادل افکار و احساسات بین والدین و فرزندان فراهم شود. همچنین در این مورد به والدین پیشنهاد می‌شود که، در مرحله اول به فرزندان خود اجازه دهند تا نظرات و عقاید خود را بیان کنند، با آنها روابط گرم و صمیمانه‌ای برقرار کنند، جوی دوستانه و پر از اعتماد و دوست داشتن برقرار کنند، که باعث رشد سازگاری دانش‌آموزان گردد.

در تمام جوامع امروزی از جمله کشور ما ضرورت دارد تا نارسایی‌ها و شیوه‌های ارتباطی که در سبک‌های پرورش وجود دارد و موجب آشفتگی نظام خانواده می‌شود، شناسایی گردد و در جهت کاهش تمایلات ناصحیح و آموزش شیوه‌های سازنده که موجب بالندگی خانواده و تربیت فرزندان متعهد و کارآمد می‌شود، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری شود. سازگار و هماهنگ شدن با خود و محیط پیرامون خود برای هر موجود زنده حیاتی است و تلاش همه آدمیان بر محور همین سازگاری دور می‌زند. بر این اساس فرد از راه‌های درست برای رسیدن به سازگاری، که شامل انواع مختلفی از جمله سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی می‌باشد، استفاده می‌کند و یکی از این راه‌ها، توجه به تفاوت‌های فردی از جمله سبک‌های پرورش می‌باشد. نتایج این پژوهش به والدین کمک می‌کند تا ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی فرزندان خود، شیوه‌های پرورش مناسب را جهت شکوفایی سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی آنان را به کار گیرند. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک مرجع برای استفاده مدرسان، مؤلفان، پژوهشگران و علاقمندان قرار گیرد.

این مطالعه مانند سایر پژوهش‌ها، دارای برخی محدودیت‌ها بود، از جمله اینکه نتایج این پژوهش مربوط به پسران بوده و قابل تعمیم به دختران نیست. همچنین، این پژوهش به دلیل استفاده از روش علی-مقایسه‌ای و ناتوانی در کنترل برخی از متغیرهای احتمالی مانند طبقه‌های اجتماعی و فرهنگی و... نمی‌توان ادعا کرد که تفاوت‌های مشاهده شده صرفاً ناشی از سبک‌های پرورشی است.

## منابع:

- حقیقی، جمال؛ شکرکن، حسین و مؤگان، موسوی شوشتری (1381)، بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره‌ی سوم، سال نهم، شماره‌های 1 و 2، صص 79-108.
- حیات بخش، لیدا (1391)، نقش میانجی‌گری صمیمیت در ارتباط با مهارت‌های هیجانی، رضایت و سازگاری زناشویی در مردان متأهل طلا فروش شهر همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حیدری خواه، راضیه (1390)، مقایسه دانش آموزان دبیرستانی دختر دارای مادران با سبک‌های فرزندپروری متفاوت از لحاظ دلبستگی به مادر، خودکارآمدی، احساس تنهایی و عملکرد تحصیلی در شهرستان خرم‌آباد. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- عالی‌پور بیرگانی، سیروس (1391)، رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و سازگاری دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره چهارم، شماره 2، ص ص 213-232.
- فلاطونی، فردوس (1391)، رابطه‌ی ناگویی عاطفی و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه دوم راهنمایی شهر دزفول. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- متحدی، علیرضا (1392)، بررسی برخی متغیرهای شناختی، انگیزشی، هیجانی، و شخصیتی به عنوان پیش‌بین‌های بروز سرآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان پایه اول متوسطه شهرستان سبزوار. پایان‌نامه‌ی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مکتبی، غلامحسین (1387)، تأثیر آموزش هوش هیجانی بر اضطراب اجتماعی، سازگاری اجتماعی و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه‌ی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- یوسفی، فریده (1386)، ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی. دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهارم، دوره‌ی جدید شماره 22، صص 37-46.
- Akinsola, E F. (2011), Relationship between parenting style, family type, personality dispositions and Academic Achievement of

- young people in Nigeria. Ife Center for Psychological Studies & Services.
- Baumrind, D., & Boray. (1991), Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R. M. Lerner, & A. C. Petersen (Eds.), *The encyclopedia on adolescence* (pp. 746-758). New York: Garland Publishing.
  - Bornstein, M. H., & Zlotnik, D. (2008), Parenting styles and their Effects, national Institutes of Health, Bethesda, MD, USA. 35-44.
  - Buri, J. R. (1991), Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality and Social Assessment*, 57, 110- 119.
  - Campbell, D.T., & Stanley, J.C. (1963), Experimental and quasi-experimental designs for research on teaching. In N.L. Gage (Ed.), *Handbook of research on teaching* (pp. 171-246). Chicago: Rand McNally.
  - Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970), Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 602-609.
  - Parish, T. S., & McCluskey, J. J. (1993), Parenting styles, young adults' self-concepts, and evaluations of parents. *School Community Journal*, 3, 85-88.
  - Pettus, K. R. (2006), The relationship of parental monitoring to community college student adjustment and achievement: Differences by gender, ethnicity, parental education level, and student residence. Unpublished Ph.D. thesis, Carolina University.
  - Reed-victor, E. (2003), Individual differences and early school adjustment: Teacher appraisals of young children with special needs. *Early Child Development and Care*, 174, 59-79.
  - Roeser, R. W., Eccles, J. S., & Sameroff, A. J. (1998), Academic and emotional functioning in early adolescence: Longitudinal relations, patterns, and prediction by experience in middle school. *Development and Psychopathology*, 10, 321-352.
  - Sartaj, B., Aslam, N. (2010), Role of Authoritative and Authoritarian Parenting in Home, Health and Emotional Adjustment. *Journal of Behavioral Sciences*, 20.

- 
- 
- Spear, L. P. (2000), the adolescent brain and age related behavioral manifestations. *Neuroscience and Behavioral Reviews*, 24, 417-463.
  - Steinberg, L. (2001), We Know some thing: parent-adolescent relationship in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*; 11: 1-19.
  - Steinberg, L., Lamborn, S., Darling, N., Mounts, N., & Dornbusch, S. M. (1994), Overtime changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754-770.
  - Vig, D., & Joswal, I. J. (2010), Emotional adjustment of parents and quality of parent-teen relationship. *Journal of Studies on Home and community Science*, 4, 39-44.
  - Zychowski, L. A. (2007), Academic and social predictors of college adjustment among first year students: Do high school friendships make a difference? Unpublished Ph. D. Thesis, Indiana University of Pennsylvania.